گفتمان حق

لبیک یا مهدی(ع)

یکشنبه ۲۵ آبان ۱۳۹۳ | قیمت: ۲۰۰ تومان | جامعه ی اسلامی دانشجویان

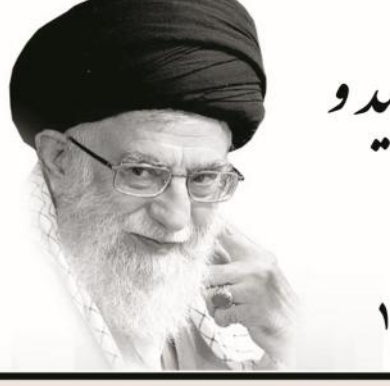

محیط را برای دانشجو، محیط نشاط، امید و حرکت به جلو قرار دهید.

۱۳۸۸/۰۶/۰۸

با انتشار فیلم پرواز RQ۱۷۰ ایرانی

سکته ناقص آمریکا کامل شد

در پی اعلام فرمانده نیروی هوا فضای سپاه مبنی بر انتشار فیلم به پرواز در آمدن هواپیمای RQ۱۷۰ ایرانی، این فیلم منتشر شد. فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران پیش از انتشار فیلم پرواز موفقیت آمیز این پهپاد گفته بود: آمریکایی ها با دیدن RQ۱۷۰ ایرانی سکته ناقصشان کامل می شود. نمونه آمریکایی آن را چون غنیمت است پس نمی دهیم اما اگر تحریم های آمریکا علیه ایران برداشته شود شاید یک نمونه ایرانی را به آمریکا بدهیم. سردار حاجی زاده همچنین از طراحی نرم افزار بومی هدایت و کنترل کامپیوتر پرواز برای پهپاد RQ۱۷۰ ایرانی خبر داد. وی زمان ماموریتی شدن RQ۱۷۰ ایرانی را سه ماهه چهارم سال جاری عنوان کرد و گفت: تا پایان سال برنامه داریم حداقل ۴ فروند از این نمون هها را بومی و وارد ماموریت هم بشویم.

« قانون خلقت، هدفمندی انسان، غرایض »

جنسیت و دوستی (۱)

اگر خدایی هست که اقتضای مهربانی او آن است که انسان را به حال خود رها نکند می بایست راه هدایت ویژه ای در پیش پای وی قرار دهد. خداوند برای هدایت انسان ها پیامبر فرستاده و این بدان معناست که قانون گذار و برنامه ریز همان آفریننده است.

یعنی قوانین و مقررات حقوقی و الگوی تربیتی اسلام، هم تمامی ضوابط حاکم بر خلقت و طبیعت انسان را مد نظر قرار داده و هم از طرف قوانین جهان حمایت می شود؛ لذا هرچه در قوانین اسلام آمده، بهترین گزینه است و هیچ راه حل اجتماعی ای که مستلزم کنار گذاشتن و نفی یکی از احکام شریعت باشد پذیرفته نیست.

پیامبر اکرم، آخرین پیامبر خداوند است و شریعتی دیگر پس از او نخواهد آمد و این بدان معناست که برنامه ای که مصلحت نهایی انسان بوده، در این شریعت آمده، لذا قوانین این شریعت تغییر ناپذیر است و نمی توان به بهانه عوض شدن شرایط زمانه ما نسبت به زمان پیامبر، برخی از آنها را کنار گذاشت. این مفاد همان روایت مشهور است که « حلالی که پیامبر اکرم آن را حلال اعلام کرده، همواره تا روز قیامت حلال است و حرامی را که پیامبر اکرم آن را حرام اعلام کرده، همواره تا روز قیامت حرام خواهد بود. »

بر اساس باور به توحید، عالم و آدم منحصر در عالم مادی و بدن جسمانی نیست بلکه عوالمی فوق این عالم وجود دارد که همگی تحت تدبیر خداوندی حکیم است و حکیمانه دانستن وجود انسان ها مستلزم آن است که بدانیم انسان ها هدفی واقعی دارند و سعادت برای آدمی، امری حقیقی – و نه صرفا سلیقه ای و تابع دلخواه ها — می باشد.

این در حالی است که بر اساس مبنای ماتریالیستی، هستی، منحصر در عالم ماده، و انسان موجودی «رها شده در عالم» و بدون هیچ هدف واقعی تعریف می شود. به تعبیر این دیدگاه، در مورد هر انسانی، دلخواه هایش باید معیار رفتارش باشد و لذا امیال و رسیدن به آنچه که نسبت بدان احساس نیاز می کند تنها آزمونی سودمند و خوشبختی است. در نتیجه هیچ هدف عینی و قطعی برای جامعه وجود ندارد. در این منطق، بهترین نظام اجتماعی، نظام «لیبرال دموکراسی» است که هیچ «مدینه ی فاضله ای» ای را از پیش برای انسان ها تعریف نمی کند، و این مخالف خلقت هدفمند عالم و انسان است.

در تصویر لیبرالیستی از زندگی که بر اندیشه جدید حکومت می کند، روابط انسان، لجام گسیخته(=آزادانه) و کاملا تابع امیال اوست :«هر چه اختیار کند، همان خوب است.» این ضابطه در برقراری روابط با دیگران نیز حاکم است؛ اگر طرفین به انجام کاری راضی اند و آن را اختیار کرده اند، مادامی که مزاحمت ظاهری برای دیگران ایجاد نکرده اند «حق» دارند خواسته خود را انجام دهند و در قبال هیچ کس(وجدان، خدا، جامعه و حتی طرف مقابل خود به آن کار رضایت داده) مسئول و پاسخگو نیستند.

پذیرش هدفی واقعی برای آدمی مستلزم آن است که دستگاه خلقت در آدمی جهت گیری ای به سوی آن هدف قرار دهد. «فطرت» همین جهت گیری اصلی حاکم بر وجود انسان است. به تعبیری، وجود .....

ص.۲

واکاوی فتنه ۸۸

سزای نادانی

سید محمد رضا حسینی

انتخابات ۲۲ خرداد سال ۱۳۸۸ که حضور ۸۵ درصدی ملت بزرگ ایران آن را زینت بخشید به عنوان یکی از کم نظیر ترین عرصه های مشارکت عمومی در تاریخ جهان گواه اعتماد مردم به نظام و زنده بودن روح سیاسی ملت ایران بود.

این انتخابات می توانست همچون سایر انتخابات ها به عنوان پشتوانه حکومت مردم سالاری دینی قرار گیرد؛ اما حرکت نابخردانه و نسنجیده برخی از سیاسیون به ویژه طرف بازنده انتخابات که قائده بازی سیاسی در حکومت مردم سالاری دینی را نمی دانست و نیاموخته بود که هر رقابتی یک طرف بازنده هم دارد باعث شد تا دشمن به عقب رانده شده بار دیگر به توطئه ی براندازی،امیدوار گردد.

آنچه تا قبل از ۲۲ خرداد رخ داد اگر چه صحنه بی نظیری از شور رقابت سیاسی بین هواداران دو کاندیدا بود که متأسفانه در برخی موارد با بد اخلاقی و زیر پاگذاشتن حدود شرعی از سوی هر دو کاندید اصلی انتخابات همراه بود. اما در عرصه رقابت این گونه رفتارها اگر چه خطاست اما طبیعی است. در این مقاله هرگز اوضاع قبل از انتخابات موضوع بحث نیست اگر چه آن نیز در جای خود قابل واکاوی و بررسی است . اکر پس از حماسه ۲۲ خرداد همه کاندیداها در مسیر قانون کام می نهادند هرکز چنین هتک حرمتی از نظام نمی گشت. نه خون بسیجی ها و فرزندان انقلاب روی زمین می ریخت نه دشمن مجال طراحی قتل مردم بی گناه را در وسط خیابان ها می یافت.نه نظام متحمل هزینه های سنگین می گشت نه عنوان فتنه گر، بر پیشانی برخی سیاسیون این مرز و بوم حک می شد. اگر پس از رقابت همه رفاقت را آغاز می نمودند و در برابر قانون و نظر مردم، کرنش می کردند بی تردید وضع سیاسی و اقتصادی ایران به مراتب از حال فعلی بهتر می بود.

با هم برخی از اتهامات متهم ردیف اول پروند فته ۸۸ را از دیدگاه افکار عمومی نه الزاماً از باب حقوقی، مرور می کنیم.

۱.آقای میر حسین موسوی خامنه متهم است، در هنگامی که هنوز فرایند انتخابات به پایان نرسیده و شمارش آرای هیچ صندوقی آغاز نشده در یک نشست خبری خود را برنده قطعی انتخابات، با نسبت آرای بسیار بالا معرفی نموده است.

۲.آقای میرحسین موسوی خامنه متهم است، انتخاباتی که با حضور ۸۵ درصد از مردم ایران برگزار شده است و تمام نهادهایی اجرایی و نظارتی از جمله وزارت کشور و شورای نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سلامت آن را تأیید نموده اند مورد تهمت تقلب گسترده قرار داده و هرگز اسناد و مدارک خود را به شیوه قانونی ارائه نداده است.

۳.آقای میرحسین موسوی خامنه متهم است ،بدون اخذ مجوز از وزارت کشور ، مردم را برای شرکت در تجمعات خیابانی فراخوانده و در بین آنان حضور یافته و با تحریک احساسات ایشان، اقدام به ایجاد شبه در سلامت انتخابات نموده است.

۴.آقای میر حسین موسوی خامنه متهم است، که در برخی ستادهای انتخاباتی تحت نظر خود،عده ای از اراذل و اوباش به صورت سازماندهی شده پس از اخذ حق الزحمه در بین تجمعات حضور یافته و با ایجاد آشوب و اغتشاش موجبات براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران فراهم نموده است.

۵.آقای میرحسین موسوی خامنه متهم است، در شرایطی که رهبر انقلاب در خطبه های نماز جمعه بر همگان اتمام حجت نمودند وهمه را به تبعیت از قانون ملزم نمودند. بدون توجه به این فرامین همچنان به صدوربیانیه پرداخته و مردم را به اردوکشی خیابانی دعوت نموده است.

آنچه گفته شد تنها بخشی از اتهامات اصلی و روشن آقای موسوی به عنوان سرکرده فتنه ۸۸ است که مستندات آن بسیار آشکار و غیر قابل انکار است.

آقای مشفق معاون وزیر اطلاعات وقت می گوید: امروز متهم در اختیار ما هست، از سرکرده های اراذل و اوباش تهران ، ... شبی ۸۰۰ هزار تومان دریافت نموده تا به اتفاق اراذل تحت فرمان خود شرق تهران را به آتش بکشد و.... .

همه کسانی که با حمایت،هدایت،تایید و حتی سکوت خود عرصه را برای فتنه گران باز گذاشتند در خون تک تک افرادی که در این حوادث به ناحق بر زمین ریخت شریک اند. اینان همان کاری را کردند که دشمن می خواست.ارتباط ستادهای انتخاباتی این افراد به صورت مستقیم با سرویس های جاسوسی غرب و گروههای معاند نظیر منافقین امری است مبرهن. بنا به تصریح مقام معظم رهبری (دامت برکاته)اینکه فتنه گران مستقیم از دشمن دستور می گرفتند اثبات نشده است. اما در اصل ماجرا تفاوتی ندارد. آن ها در عمل نقشه دشمن را علیه نظام پیاده کردند.

ابعاد این فتنه اگر چه در برخی موارد بسیار پیچیده و سردر گم بود لیکن با گذشت زمان و با فرونشستن غبار فتنه، آن چنان شفاف گشت که برخی از حامیان و بلکه عوامل اصلی آن ناگزیر زبان به سخن حق گشودند و واقعیت را اعتراف کردند.

سید محمد علی ابطحی (رئیس دفتر رییس جمهور خاتمی) و از فعالین فتنه ۸۸ می گوید در جلسه روز شنبه بعد از انتخابات که بین آقایان هاشمی ، خاتمی و موسوی صورت پذیرفت،حمایت بسیار جدی از آقای مهندس موسوی شکل گرفت .... یکی از توهمات جدی آقای مهندس موسوی این بود که تصور می کرد این مجموعه به خاطر خود آقای موسوی و مواضع و دیدگاههای ایشان از وی حمایت می کنند.در حالیکه آن ها برای منافع خود از ایشان حمایت کردند.

ابطحی در ادامه تصریح می کند: با اعتقاد عرض می کنم آقای مهندس موسوی از سر نادانی،آقای خاتمی از سر خیانت و آقای هاشمی از سر انتقام از آقای احمدی نژاد و به نوعی از رهبری وارد این عرصه (فتنه) شدند.

این اتفاق در هر جای دنیا که اتفاق افتاده بود عوامل آن را دستگیر و در اولین فرصت محاکمه می کردند. نظام جمهوری اسلامی ایران نیز می بایست مطابق قانون این افراد رابه جرم اقدام علیه امنیت ملی دستگیر و روانه زندان می نمود و سپس در اولین فرصت آنان را در دادگاه عادلانه با حضور وکلای متهمین و همچنین نماینده دادستان محاکمه می نمود.همان کاری که در رابطه با اغلب عوامل دست چندم فتنه صورت داد.

اما بنا به دو دلیل زیر،مصلحت حکم می کرد دستگیری و محاکمه این افراد اندکی به تعویق افتد.

اولاً دستگیری وبه زندان افکندن سران فتنه موجب تحریک احساسات و تشنج بیشتر در فضای سیاسی جامعه می گردید.

ثانیاً اگر نظام این کار را می کرد این افراد به قهرمان سیاسی تبدل می گشتند و مظلوم نمایی می کردند. لذا برای حفظ امنیت کشور این افراد از ارتباطات اجتماعی محروم می گردند که از آن به حصر خانگی یاد می شود.

نظام جمهوری اسلامی ایران که با گذشت زمان و فرونشستن گرد و غبار فتنه حیثیت هتک شده خود را باز می یافت و حقانیتش اثبات می کشت . به خصوص راهپیمایی عظیم ۹ دی ۸۸ و بالاخص حضور پرشور مردم در انتخابات ۹۲ و انتخاب فردی که افکارش با گفتمان اصلاحات سازگاری بیشتری دارد. بر همگان آشکار شد فتنه ۸۸ و ادعای تقلب دروغی بیش نبوده است.

اما نظام اسلامی همچنان در فضای مصلحت اندیشی باقی ماند و دستگیری و محاکمه این افراد را به تأخیر انداخت.

آنچه از هرچیز جالب تر است وقاهت و بی شرمی برخی در مطالبه رفع حصر سران فتنه است. در این بین توجه به نکات اساسی زیر ضروری است.

اولاً نظام جمهوری اسلامی ایران تا کنون هیچ اقدامی در راستای محاکمه این افراد انجام نداده است که برخی حصر را اقدامی غیر قانونی بخوانند. مثل این است که یک متهم را قبل از دستگیری بخواهیم آزادش کنند و هر اقدامی در راستای محدود کردن وی را غیر قانونی بدانیم.

ثانیاً رفع حصر زمانی صورت خواهد پذیرفت که این افراد را برای محاکمه در دادگاه صالحه تحت شرایط قانونی و کاملاً حقوقی(نه سیاسی)فرا بخوانند و سپس حکم قطعی قانون را به اجرا دراورند.

ثالثاً توبه این افراد اگر یک توبه واقعی باشد ممکن است جنبه حق الله جرم آنان را تخفیف دهد؛ لیکن اینکه این توبه بتواند جنبه حق الناس و جنبه عمومی جرم آنان را کاهش دهد یا نه ،امری است در اختیار قانون و قاضی محترم پرونده. همانطور که در برخی موارد حقوقی و قضایی توبه گنه کار قبل از دستگیری، مجازاتش را کاهش می دهد و در برخی دیگر اثری ندارد.

در پایان امیدواریم رسیدگی به پرونده همه متهمان خرد و کلان فتنه ۸۸ در فضایی عادلانه ، منصفانه و منطقی بدور از سیاسی کاری، مماشات و تحریک احساسات جامعه در سریع ترین زمان ممکن به وقوع بپیوندد تا همگان شاهد اجرای صحیح قانون و اقتدار نظام جمهوری اسلامی ایران باشند.

آیت ا... مصباح

محمد حسن صادق پور

توضیحی درباره نقد یکی از نشریات دانشگاه پیرامون علامه مصباح یزدی

در یکی از نشریاتی که هفته های گذشته در دانشگاه توزیع شد، مطالبی با عنوان نقد به دو شخصیت «علامه مصباح یزدی» و «آیت الله هاشمی رفسنجانی» ارائه شده بود، که لازم دیدیم توضیحاتی در این خصوص داده و نقدی بر «نقد صورت پذیرفته» توسط دوستان دگراندیشمان داشته باشیم:

-۱باید پذیرفت قطعا هیچ کس خالی از اشکال نیست و نقد اگر منصفانه و در حدود آداب اسلامی باشد، بصیرت افزاست و روشنگر. نه علامه مصباح معصوم است و نه جناب هاشمی مبرا از نقد. هرچند هر دو شخصیت یاد شده نیز منشاء خدمات زیادی در انقلاب اسلامی بوده اند که فراموشی آن خارج از ساحت انصاف است.

-۲اهانت و افترا به علامه مصباح البته به بهانه نقد ایشان، چیزیست که این روزها در بازار داغ روزنامه های زنجیره ای بسیاری شایع است و نه به نقد از سر دلسوزی که بیشتر به رفتاری «تکفیرمآبانه» مانند شده است. یک روز به ایشان چنین نسبت داده می شود که هیچ سابقه مبارزاتی علیه رژیم پهلوی ندارند و روز دیگر مخالفت ایشان با آرای رهبری و امام(ره) نسبت داده می شود!

البته این رفتار سابقه دیرینه دارد و هجمه های غیرمنصفانه در روزهای پس از دوم خرداد به حدی رسید که رهبر معظم انقلاب درباره شخصیت علامه مصباح چنین فرمودند: «شما می‌بینید این هجومهای تبلیغاتی را که به شخصیتهای برجسته، به انسانهای والا و با اخلاقهای برجسته می کنند؟ اینها همه‌اش نشان دهنده‌ی اهداف و نیات دشمن است. وقتی یک نفر مثل جناب آقای مصباح که حقیقتاً این شخصیت عزیز، جزو شخصیتهایی است که همه‌ی دلسوزان اسلام و معارف اسلامی بایستی از اعماق دل قدردان و سپاسگزار این مرد عزیز باشند، مورد هجوم تبلیغاتی قرار می‌گیرد، می‌بینید که همین «و هم ینهون عنه و ینأون عنه». حرف رسا و نافذ، منطق قوی و مستحکم، هر جایی که باشد، دشمن آن‌جا را زود تشخیص می‌دهد؛ چون حسابگر است. دشمن - همان‌طور که گفتم - آن‌جا را می‌شناسد و به مقابله‌اش می‌آید. با مرحوم شهید مطهری نیز همین‌گونه برخورد کردند.»

متاسفانه نگارنده در متن مذکور نیز دچار همین خطای غرض ورزی نیز شده اند که البته ان شاء الله از سر ناآگاهی و بی اطلاعی بوده است.

-۳نویسنده در اولین نقد خود به علامه مصباح، به عبارتی منتسب به علامه مصباح اشاره نموده و آن را حرفی ناحساب انگاشته است. اولا باید ذکر کرد که علامه مصباح یزدی عبارت فوق را به این صورت به کار نبرده اند و این روزنامه اعتمادملی (به مدیرمسئولی مهدی کروبی) بود که اولین بار با تیتر «اطاعت از احمدی نژاد اطاعت از خداست» این عبارت را به علامه نسبت داد. اصل عبارت ذکر شده آیت الله مصباح چنین است:

«ولی فقیه یک رهبری دینی جانشین امام زمان(عج) است؛ این رییس جمهور نماینده‌ای است که مردم او را انتخاب کرده‌اند. این دو با هم خیلی تفاوت دارند. رییس جمهور وقتی از طرف ولی فقیه نصب شد، می‌شود عامل او؛ او نصبش می‌کند. آن پرتو قداستی که او دارد بر این هم می‌تابد. وقتی رییس جمهور اسلامی شد، حکمش را از رهبر -یعنی جانشین امام(ع)- دریافت کرد، یک پرتوی از آن قداست بر این هم می‌تابد؛ آن وقت اطاعت از رییس جمهور و اطاعت از مجلس و سایر امور هم می‌شود اطاعت از خدا. اما تا این جور نشده، حساب رهبر از دیگران جداست. او ارزشش از طرف امام زمان(عج)و از طرف خداست.»

هر خواننده عاقلی متوجه می شود که عبارت «اطاعت از احمدی نژاد اطاعت از خداست» تنها یک شیطنت رسانه ای است که رسانه ای معلوم الحال به آیت الله مصباح نسبت داده است. وگرنه اصل بیانات ایراد شده از طرف علامه مصباح دقیقا تکرارهمان بیانات امام راحل (ره) است که در اولین سال انقلاب و درباره مهدی بازرگان -رئیس دولت موقت- فرمودند: « «من باید یک تنبه دیگری هم بدهم و آن اینکه من که ایشان را حاکم کردم، یک نفر آدمی هستم که به واسطه ولایتی که از طرف شارع مقدس دارم ایشان را قرار دادم. ایشان را که من قرار دادم واجب الاتباع است ملت باید از او اتباع کند. یک حکومت عادی نیست یک حکومت شرعی است. باید از او اتّباع کنند. مخالفت با این حکومت مخالفت با شرع است، قیام بر علیه شرع است.» (جلد پنج صحیفه امام، ص ۳۱)

حال اگر نظر نگارنده با نگاه حضرت امام (ره) به ولایت فقیه نیز در تعارض می باشد که آن بحث دیگری است!

-۴نگارنده از این ابراز تعجب کرده اند که چرا علامه مصباحی که از دولت احمدی نژاد این گونه حمایت نموده اند، چرا پس از رویت علائم انحراف در دولت از حمایت ایشان دست برداشته اند! و البته بعد از آن نیز گفته اند که چرا جمله ای که در مورد بالا اشاره شده را درباره رییس جمهور فعلی نگفته اند! ذکر چنین مطلبی نیز ناشی از عدم شناخت ایشان و تعمیم همان خطای مورد قبل است. چرا که ایشان عهد اخوتی با کسی ندارند و پذیرش ریاست جمهوری یک فرد و تنفیذ وی از سوی رهبری، هیچ گاه مصونیت زا نیست. ایشان نه تنها در دولت جدید، بلکه در دولت آقای احمدی نژاد نیز بارها و بارها به طور مستقیم و صریح، به نقد دولت و مواضع و اقدامات اشتباه رییس جمهور گذشته پرداخته اند و همین مساله به خوبی نشان می هد رفتارهای ایشان با دولت جدید نه از موضع سیاست ورزی، بلکه ناشی از صداقت کامل است.

ایشان حتی نسبت به دولت محمود احمدی نژاد که بارها و بارها از اقدامات درست و مواضع انقلابی آن حمایت کرده بودند، انتقادات صریح و بی پرده ای به زبان آورده بودند که مرور همه آنها فرصت جداگانه ای می طلبد اما یکی از معروف ترین آنها به مرداد ۱۳۸۹ باز می گردد، برهه ای که آیت الله با صراحت به نقد افکار انحرافی برخی مسئولان دولت وقت پرداخت و گفت:

«کسانی که بی‌شرمانه مکتب ایران را به جای مکتب اسلام معرفی می‌کنند، خودی نبوده بلکه غیرخودی‌اند و باید حواسمان جمع باشد... ما اسلام را می‌خواهیم و هر کس اسلام را بخواهد خدمت گذار او هستیم و در این مسیر با کسی عقد اخوت نبستیم، هرکس از اسلام کج برود، ردش می‌کنیم.»

-۵نگارنده در قضیه انتخابات سال گذشته ماجرا را تحریف و قلب نموده اند. حقیقت آن است که علامه بنا به تشخیص فقهی و شخصی خود از بدو انتخابات فردی را به عنوان اصلح تشخیص داده بودند. از طرفی علمای شورای نگهبان نیز تشخیص فقهی متفاوتی داشتند و تشخیص هر دو قابل احترام است و ممکن است هریک صحیح بوده باشد، اما ملاک قانون تشخیص فقهای شورای نگهبان است. علامه نیز با احترام کامل نسبت به این تشخیص، کریمانه نامزدهای تایید شده شورای نگهبان را پذیرفته و از میان این هشت نفر، دکتر جلیلی را به عنوان اصلح معرفی نمودند و برخلاف متن یاد شده، هیچ گاه عبارت بهترین گزینه میان زمین و آسمان را درباره ایشان به کار نبردند.

-۶نکته دیگر این که طبق ادعای نگارنده، علامه مصباح اعتقادی به جمهوریت نظام ندارند! ایشان به جمله ای ازعلامه مصباح استناد می کنند که در آن ایشان گفته اند: امام به جمهوری اسلامی معتقد نبوده و فقط جهت مقبولیت آن را اظهار کرده اند!! و رهبری نیز در سخنرانی ۱۴ خرداد سال گذشته این سخنان را مورد نقد قرار داده و رد کرده اند! این هم ادعایی تعجب آور است! این مورد نیز از شارلاتانیزم رسانه ای می باشد که ظاهرا و متاسفانه گویا نویسنده مقهور آن شده است. این سخن اولا کاملا تحریف شده و ثانیا اصلا ماجرا مربوط به بعد از سخنرانی رهبری در ۱۴ خرداد سال گذشته بوده است! علامه معتقدند که اساس مشروعیت نظام از دین گرفته می شود و برهان ما برای اقامه حکومت اسلامی بحث دینی است و البته ما در برابر منطق دموکراسی فعلی جهان نیز منفعل نیستیم. ایشان می فرماید: «حضرت امام در مقام اینکه حکومت اسلامی را اثبات کنند، دو روش بحث داشتند. یک روش بحث برای دنیایی که طرفدار دموکراسی است ...این بحث بحث جدلی است، اما آنجایی که خود امام می خواهد برهانی بفرماید، پس از آنکه حکم حکومت دولت موقت را تنفیذ کردند، در مصاحبه با خبرنگاران فرمود: "من بر اساس ولایت الهی که دارم، شما را به نخست وزیری منصوب می کنم"، نفرمود چون مردم گفتند. چرا؟ چون مخاطبش مسلمان‌ها بودند، مخاطبش کسانی بودند که ولایت الهی را قبول داشتند. با آنها که می خواهد سخن بگوید، همان مطلب برهانی را بیان می کند اما وقتی با دنیا می خواهد سخن بگوید، باید بر اساس مقدماتی صحبت کند که دنیا بفهمد و قبول کند لذا وقتی در پاریس با امام مصاحبه می کردند که اگر شما پیروز شدید، چه حکومتی را بر سر کار خواهید آورد؟ نفرمودند ولایت فقیه (چون باید بر اساس منطقی سخن بگوید که آنها بفهمند و بپذیرند) بنابراین فرمود: "مراجعه می کنیم به آرای مردم، مردم مسلمان هستند و اسلام را می خواهند"، پس نتیجه همان می شد، اما روش بحث فرق دارد.» اگر نگارنده از این جملات چنین برداشت کرده اند که علامه مصباح معتقد به جمهوریت نظام نیستند بسیار باید از روش فهم و استدلال ایشان تعجب نمود! چرا که نه تنها در این سخن که علامه مصباح مکررا از جمهوریت و لزوم مقبولیت نظام اسلامی دفاع کرده اند و آن را پایه اساسی حکومت اسلامی دانسته اند. فی المثل آیت الله مصباح می فرماید: «در مقام عمل، بدون مقبولیت مردمی احکام ولایت فقیه قابل اجرا نیست. فرض کنید ما کشف کردیم که از طرف امام زمان، آقای X مصداق نصب عام است اما مردم نمی شناسند، عملاً چنین چیزی تحقق پیدا نمی کند... بر اساس نظریه‌ی انتصاب، مردم شخصیتی را که ولایت دارد، کشف می کنند. شرط تحقق عینی آن هم مقبولیت اوست. اگر مردم قبول نکنند،

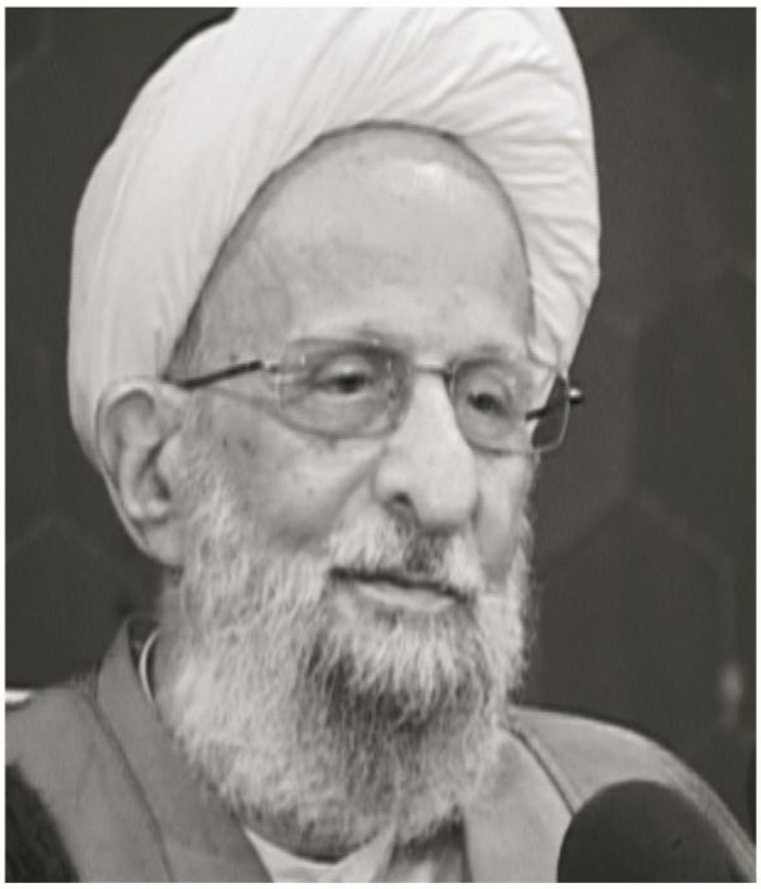

تأثیر عینی نمی تواند داشته باشد... دو راه وجود دارد: مراجعه به آرای عمومی که مردم مستقیم بیایند رأی بدهند و کسی را تعیین کنند؛ یا چند مرحله‌ای باشد یعنی خبرگان را مردم تعیین کنند و خبرگان رهبری هم رهبر را مشخص کنند. فعلاً این روش در قانون اساسی آمده و امام رحمۀالله علیه این را تأیید کرد.»

-۷در متن یادشده البته تندی قلم نگارنده، هاشمی رفسنجانی را نیز در امان نگذاشته و تناقضات رفتاری و کرداری هاشمی را یادآور شده است. ما نیز نقد انجام شده بر جناب هاشمی را کاملا قبول داریم و متاسفانه باید پذیرفت که جناب هاشمی البته واقعا نیز جای تعجب دارد که اصلاح طلبان امروز با چرخش ۱۸۰ درجه ای به سمت دشمن دیرینه شان چرخش کرده اند. قطعا هاشمی همان هاشمی است و با همان روحیات گفته شده که البته این روزها به تمام صفاتی که نگارنده به درستی برشمرده است، فراموشی جناب ایشان و نیز جعل و انتساب خاطرات عجیب به حضرت امام(ره) و نیز رهبر معظم انقلاب نیز افزوده شده است. البته هم اکنون نیز شمه ای از این روحیات جناب هاشمی را می توان در رئیس جمهور محترم و مورد حمایت کامل ایشان که در طول یک سال گذشته نشان دادند تحمل مخالفان را ندارند مشاهده کرد. و نیز در اطرافیان و معتمدان ایشان که به محض شنیدن نقد واکنش های عصبی از خود بروز می دهند.

احتمالا باید چنین نتیجه گرفت که این اصلاح طلبان هستند که امروز برای ادامه حیات خود در فضای سیاسی جمهوری اسلامی، به قول یکی از تئوریسین های جریان اصلاحات باید در رحم اجاره ای جریان هاشمی و اطرافیانش زندگانی کنند و تن به خواسته های هاشمی داده و همچون انتخابات سال گذشته (انصراف عارف را به خاطر آورید) در شطرنج عالیجناب سرخ پوش بازی کنند. البته به نظر می رسد چنین زندگانی آسکاریس گونه ای به دور از شانیت کسانی است که در گذشته نه چندان دور، علم حریت بر دوش می کشیدند!

ادامه صفحه ۱

جنسیت و دوستی (۱)

علی امامی

به تعبیری، وجود فطرت مقتضی آن است که هیچ امر باطل، زائد و غیر هدفمندی در وجود آدمی نهاده نشده باشد، لذا شهوت جنسی هم اگر ذیل فطرت رفتار کند نه تنها هیچ مذمتی ندارد، بلکه خود می تواند عاملی از عوامل حرکت انسان به سمت سعادت حقیقی شود.

با توجه به هدفمندی خلقت و اینکه زندگی اخروی، غایت زندگی دنیوی است، دنیا جنبه مقدمه برای آخرت پیدا می کند و لذا تمامی قوایی که در وجود آدمی و برای حیات دنیوی آدمی قرار داده شده، اگر ذیل عقل به معنی درست کلمه تدبیر شوند، زمینه ساز سعادت اخروی خواهند بود.

با توجه به حکمت الهی و غایتمندی خلقت که توضیح آن در بند های قبل گذشت، زن و مرد دارای یک سلسله تفاوت های واقعی و انکار ناپذیر غایتمند هستند. این غایت مکمل بودن زن و مرد نسبت به یکدیگر است که تنها با تشکیل خانواده حاصل می شود. اشباع منطقی غریزه جنسی، در مجموعه باید به نحوی باشد که به تقویت این ارتباط مکملیت بیانجامد نه تضعیف آن. تشکیل خانواده تنها از زاویه ی بقای نسل نیست، بلکه این امر در هویت انسان نقش دارد و لذا تشکیل خانواده برای رشد انسان یک ضرورت و نه فقط یک امکان است.

انسان برای رشد خویش به تمام قوایی که خداوند در وجودش نهاده، نیاز دارد و هر غریزه ای اگر درست به کار گرفته شود، خود عامل رشد خواهد بود. حیا و عفت به معنی حکومت دادن عقل و شریعت بر غرایز است و نباید هیچ غریزه ای سرکوب شود. در کنار آن نباید غرایز آزاد گذاشته شده و حریم گرفتن آن فقط از آنچه عرف جامعه آن را می پسندد در نظر گرفته شود.

نیاز ها و غرایض انسان را در یک تقسیم کلی در دوقسم می توان قرار داد. غرایز اشباع پذیر و اشباع ناپذیر. دسته اول آنهایی اند که با دریافت مقدار محدودی، اشباع می شوند (مثل غریزه تشنگی و گرسنگی)، اما دسته دوم هرچه بیشتر دریافت کنند، شدیدتر می شوند. غریزه ی جنسی یکی از این گونه غرایض است که کثرت و تنوع در ارضای آن موجب تشدید مطالبات این خواهد شد و لذا اشباع آن حتما باید محدود و تحت کنترل باشد؛ با اینکه تنوع طلبی یک حس اصیل در انسان نیست، ممکن است این حس بر اثر غلبه ی غریزه بر فطرت پدید آید، بدین صورت که وقتی بی نهایت طلبی انسان، تحت مطالبات غریزه قرار می گیرد.

این تنوع طلبی و خروج انسان از مسیر غایت و هدف نهایی در دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج، نمود پیدا می نماید که در دو دهه اخیر در جامعه ما رو به فزونی گذاشته است. تلاش بر آن است تا در سلسله یادداشت هایی این فرهنگ غلط را به چالش کشیده و فرهنگ ناب اسلامی را منتشر کنیم.

خبر رسان هفته

۱. با انتشار اطلاعیه ای از سوی ۵ اتحادیه بزرگ دانشجویی درخصوص شفاف سازی فضای مذاکرات، تبیین شاخصه های یک توافق خوب و پیگیری انتظارات ملت از مذاکرات هسته ای «ستاد پیگیری انتظارات ملت از مذاکرات » اعلام موجودیت کرد.

۲.به موجب مصوبه مجلس، سازمان بسیج مستضعفین موظف شد با بکارگیری آحاد بسیجیان در چارچوب قوانین نسبت به فرهنگ سازی و اجرای امر به معروف و نهی از منکر در مرتبه زبانی اقدام کند.

۳. دایی با انتشار نامه ای اعلام کرد مایلی کهن را می بخشد. در بخشی از نامه آمده: « پس از مشورت با خانواده ام تصمیم گرفتم از آنچه قانون حق من دانسته بگذرم زیرا راضی نیستم حتی لحظه ای غصه نوه ای را ببینم که چشم انتظار پدربزرگش است . »

۴. وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی: در گذشته به دلیل فقدان بانک اطلاعات به تمامی مردم یارانه تعلق می گرفت اما با تشکیل بانک اطلاعات این مشکل برطرف خواهد شد.

۵. وزیر ارتباطات: فیلترینگ هوشمند در سه مرحله اجرایی خواهد شد که مرحله نخست این طرح تا یک ماه آینده اجرایی می شود.

۶. وزیر خارجه آمریکا: موضوع هسته ای ایران بدون ارتباط با دیگر مسائل مهم خاورمیانه مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

۷. معاون قضایی دیوان عدالت اداری: هیچ مدرکی وجود ندارد که اسیدپاشی برای امر به معروف صورت گرفته و ارتباط این حادثه با ماجرای امر به معروف چیزی جز شیطنت رسانه ای نبود.

۸. سخنگوی وزارت امور خارجه اقدام اخیر اتحادیه اروپایی در تحریم مجدد برخی نهادهای ایرانی را پافشاری غیرمتعارف و سؤال برانگیز خواند.

کاریکاتور / مسئله هسته‌ای ایران در مرحله حساسی است!!

هفته نامه گفتمان حق

صاحب امتیاز : جامعه ی اسلامی دانشجویان

مدیر مسئول : حامد ملکی

سر دبیر : عباس فیض آبادی

جامعه اسلامی دانشجویان
دانشگاه صنعتی قم